



اذان ممنوع! تظاهر مذهبی ممنوع!

صفحه ۳

شهلا نوری



ستون اول،

آذر ماجدی



پیرامون کنفرانس دو روزه در مریوان علیه قتل های ناموسی

صفحه ۴

مریم افراسیاب پور



گفتگوی نوشین قادری با شیوا گنجی روزنامه نگار و فعال حقوق زنان



"دختر شایسته جهان اسلام" از نیجریه می آید!

صفحه ۷

سیاوش دانشپور

برقع و نقاب

باید ممنوع گردد!

آذر ماجدی در گفتگو با رادیو بی بی سی



"ویروس بد جبابی"

با بیرون آمدن روحانی از صندوق، ملی - اسلامی ها یک کمپین تبلیغاتی در دفاع از او براه انداختند. در باب اعتدال روحانی سخن ها گفتند و داستانها سرانیدند. نامه های سرگشاده "کنشگران ملی - اسلامی حوزه زنان" به این باصطلاح "رئیس جمهور منتخب" و یادآوری "قول و قرارهای" نداده و وعده های نسپرده بخش سازمانیافته ای از این کمپین است. این کنشگران تا آنجا رفته اند که اعلام کرده اند حاضرند سپر بلای او شوند. گفته اند که موقعیت "دشوار" او را درک می کنند. بیانیه های هم اندیشی تدوین کردند و کوشیدند تصویر یک مدافع آزادی زن از این آخوند همرزم و همپالگی خمینی و از سردمداران حکومت اسلامی ارائه دهند. در پاسخ به اینهمه جانفشانی و نعلین بوسی، روحانی اعلام کرد که زنان خودشان عفاف و حجاب را رعایت خواهند کرد و در برخورد به مسأله حجاب و "بدحجابی" قانون رعایت خواهد شد!

روحانی "معتدل" به زنان قول "رعایت قانون اسلامی" را داد. اما طولی نکشید که زنانی که دائما در حال به مصاف طلبیدن رژیم اسلامی اند و با ایجاد هر روزنه ای حتی خیالی تهاجم خویش را به این رژیم سرکوب و زن ستیز چند برابر می کنند، با مدهای جدید "حجاب" به خیابان ها آمدند. آنچه بر سر می اندازند به هر چیز شبیه است بجز حجاب اسلامی. مدهای جدید لباس و "حجاب"، لباس های رنگارنگ و "سپورت" های مد روز زنان مستقیما "بیضه" اسلام و حکومت اسلامی را هدف گرفته است.

اوباش بسیج و امر به معروف طبق "قانون" زنان "بدحجاب" را مورد تعرض قرار می دهند. اما زنان "بدحجاب" نه تنها به امر

صفحه ۲

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



ISNA / PHOTO: HEMMAT KHAHI



ISNA / PHOTO: HEMMAT KHAHI



ISNA / PHOTO: HEMMAT KHAHI



ISNA / PHOTO: HEMMAT KHAHI

"ویروس بد حجابی" ...

به معروف وقعی نمی گذارند، بلکه به خواهران زینب و بسیجی حمله ور می شوند. درگیری با نیروی بسیج، خواهران زینب و امرین به معروف آنچنان گسترده شده است که اخبار آن به سایتهای رژیم هم راه یافته است. "علمای" اسلام نیز از گزند کتک محفوظ نمانده اند. اگر پیش از این هجوم مردم در دفاع از یک دختر "بد حجاب" در بهترین حالت به نجات دختر مزبور از دست ارازل و اوباش اسلامی می انجامید، اکنون نیروی بسیج باید احضار شود تا ارازل و اوباش را از دست مردم خلاص کند. شرایط تغییر کرده است.

اما این تغییر محصول "اعتدال و منطق" روحانی و ارازل و اوباش اسلامی نیست، برعکس قسم خوردن های یک روز در میان روحانی به اعتدال و "قانونگرایی" محصول تغییر شرایط سیاسی و روانشناسی توده ای است. دو سه روز پیش روحانی مجبور شد که یکبار دیگر بر "قانونگرایی" در برخورد به زنان "بدحجاب" تاکید کند. در همین رابطه ...مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، اعلام کرد که برخورد "سلبی" به بدحجابی درست نیست اما باید توجه داشت که "ویروس بدحجابی در صورت عدم برخورد به کلیه هنجار شکنان سرایت خواهد کرد."

شاهد از غیب رسید! ما بارها و بارها در طول حیات این رژیم جنایتکار اعلام کرده ایم که موقعیت زنان و حجاب حکم بارومتر سیاسی جامعه را دارد. هرگاه رژیم میخواهد جامعه را عقب بنشانند و حجاب اختناق را بر سر جامعه محکم و تاریکتر سازد، به زنان هجوم می آورد. حجاب و آپارتاید جنسی دو ستون محکم رژیم اسلامی و جنبش اسلامی اند. یک رابطه مستقیم و محکم میان حجاب اختناق و حجاب اسلامی موجود است. یک دلیل مهم جایگاه مهم و برجسته جنبش آزادی زن در جنبش سرنگونی همین رابطه است. و اکنون فرمانده کل نیروی ارازل و اوباش صریح و روشن به این مساله اعتراف می کند.

حجاب فقط معضل زنان نیست. حجاب معضل رژیم اسلامی است. حجاب بیرق این رژیم و جنبش سیاه اسلامی است. حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی یک سنگر مهم نبرد مردم با رژیم اسلامی طی سی و چند سال اخیر بوده است. جنبش آزادی زن، خلاصی فرهنگی، سکولار و ضد مذهب ارکان مهم جنبش سرنگونی رژیم اسلامی اند. باید از هر نقطه ضعف این نظام استفاده کرد. تهاجم به اسلام، مظاهر اسلامی، سنن و قوانین اسلامی را باید با قدرت و بشکل سازمانیافته ادامه داد. جنبش سیاه اسلامی در کل منطقه زیر تهاجم توده ای و آزادیخواهانه قرار گرفته است. این جنبش در سرآشویی سقوط قرار دارد. جنبش آزادی زن در ایران می تواند و باید یک تهاجم قدرتمند علیه این جنبش و یکی از رهبران اصلی آن، رژیم اسلامی، سازمان دهد. *

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



در حاشیه اخبار،

اذان ممنوع! تظاهر مذهبی ممنوع!

شهلا نوری

پاکستان: خودکشی دستجمعی زنان

پنج خواهر در نزدیکی پنجاب پاکستان با پریدن در یک کانال آب خودکشی کردند. این اتفاق بعد از مشاجره این زنان جوان با پدرشان بر سر مسئله جهیزیه بوقوع پیوست. چهار تن از آنها جان خود را از دست دادند و جوانترین آنها نجات یافت.

گفته می شود در هندوستان در هر ساعت یک زن جوان بر سر مسئله جهیزیه و در میان دعوی خانواده عروس و داماد بقتل می رسد. این سنت عقب افتاده گاه سالها بعد از ازدواج هم باعث کشته شدن زنان می شود.

هندوستان

یک پسر و دختر جوان روز چهارشنبه گذشته در شهر هارانایا هندوستان بصورت فجیعی بقتل رسیدند. به گفته خبرنگار بی بی سی، آنها قصد ازدواج داشتند اما به دلیل مسائل ناموسی در مقابل چشم ۲۰۰۰ شاهد عینی بقتل رسیدند. قتل ناموسی که معمولاً توسط نزدیکترین افراد



خانواده صورت می گیرد یکی از فجایع امروز جهان است که تحت نام "حفظ ناموس" فقط و فقط برای کنترل زنان انجام میشود!

<http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-india-24170866>

http://www.svd.se/nyheter/utrikes/pakistanska-systrar-begick-sjalvmord_8538158.svd

مسئله قرانت اذان از مناره مسجد فیتیا مدتها است که به مسئله بحث انگیزی در کشور سوئد تبدیل شده است. بدنبال این واقعه شهرداری لاهه پایتخت هلند نیز اعلام کرد که مسلمانان این شهر حق دارند بر اساس آزادی ادیان، از مساجد لاهه بدون درخواست مجوز اذان پخش کنند. این مسئله در کشور آلمان به کمپین انتخاباتی حزب لیبرال دمکرات تبدیل شد. همه این اتفاقات در پی پخش اذان از مساجد انگلیس بود.

مسئله چیست؟

آیا مسلمانان مقیم کشورهای اروپایی به تازگی نمازخوان شده اند؟ به دنبال طرح این سؤال و اقدام مسجد فتیا برای کسب اجازه از کمون مورد نظر و درج این اخبار در رسانه های سوئد، ترسی واقعی جامعه را در بر گرفت. مردمی که شاهد اتفاقات اخیر در شمال آفریقا و خاورمیانه هستند بطور واقعی از تحرک جدید جنبش اسلامی در اروپا به وحشت افتاده اند. در کشور سوئد که هر روز از رفاه عمومی جامعه زده می شود و دبستانها و دبیرستانها یکی پس از دیگری تعطیل می شود، بودجه های عظیمی در اختیار نهادهای اسلامی قرار میگیرد تا بتوانند مدارس مذهبی را گسترش دهند. از طرفی مردم شاهد هر چه بیشتر شدن تعداد زنان برقع ای و نقابی و حجاب هستند که نمادهای جنبش ارتجاعی و ضد زن اسلامی سیاسی است. خانواده های اسلامی از فرستادن کودکان خود به استخر و مدارس عمومی سرپیچی می کنند و دولت هم تحت نام "احترام به فرهنگ مهاجرین" با اسلامپون مماشات میکند. دولت برای راضی کردن اسلامپون و رعایت ظاهری حقوق فردی، راسا پروژه راسیسم وارونه در دست میگیرد و استخر زنانه می سازد. در کنار این سیاستها "آکادمیسن اسلامی" پرورش می دهند و تلاش میکنند همه مهاجرین و انسانهای فراری از کشورهای اسلام زده را یکجا "اسلامی" بنامند.

این سیاستها در سوئد و کشورهای اروپایی قدیمی اند و جملگی خود را بر نفی حقوق برابر شهروندی و نهادینه کردن تبعیض رسمی و قانونی بنا نهاده اند. این اقدامات سیاسی اند و ربطی به "آزادی مذهب" ندارد. تحمیل یک مذهب در قلمرو جامعه و ادیت و آزار دیگران و قانونی شدن تظاهر مذهبی در جامعه ای که خود را سکولار مینامد، آزادی مذهب نیست بلکه نفی حقوق پایه ای شهروندان است.

اذان باید ممنوع باشد! تظاهر مذهبی، هر نوع مذهبی، در مقیاس جامعه باید ممنوع باشد. مذهب امر خصوصی افراد است و بحث آزادی مذهب تنها در این قلمرو معنی دارد. پخش اذان یک اقدام سیاسی ارتجاعی و ضد زن و وسیله ابراز وجود سیاسی جنبش اسلامی است.*

اسلام ضد زن است!



پیرامون کنفرانس دو روزه در مریوان علیه ناموس پرستی و قتل های ناموسی

مریم افراسیاب پور

های پنهان داده است. وضعیت اجتماعی زنان در هر جامعه نمودار وضعیت عمومی و درجه رشد سیاسی و اجتماعی آن جامعه است. اما در مقابل آن نمیتوان ادعا کرد که رهایی زنان در گروه آزادی و استقلال یک جنبش ناسیونالیستی میباشد. زیرا که برابری جنسی پیوندی مستقیم با ذهنیت و تفکر حاکم بر قوانین و مناسبات اجتماعی دارد. در یک جامعه نابرابر، ستم بر زن نه تنها توسط سیستم حکومتی گسترده تر میشود بلکه سنت و فرهنگ زن ستیز هر روز بیشتر زنان را در بند می کشد. در جنبش ناسیونالیستی مساله زنان در اولویت قرار ندارد.

در مورد قتل های ناموسی و انواع خشونت هایی که در جامعه ایران، مخصوصا در کردستان علیه زنان به کار گرفته می شود، متاسفانه آمار و ارقام دقیقی در دست نداریم. بدیهی است جامعه کردستان جدا از جامعه ایران نیست و طبعا زنان در کردستان با همان قوانین دوران بربریت و سنت های کهنه و ارتجاعی اسلامی روبرو هستند. زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب با کلیه قوانین شرعی و عرفی که تحت عنوان دفاع از "ناموس و شرف" در جرم مرتکبین جنایت و خشونت علیه زنان تخفیف میدهند، مخالف هستند. فرهنگ ارتجاعی رایج در جامعه و تعصبات مذهبی تحت عنوان دفاع از "ناموس و شرف" آزادی و امنیت جسمی و روحی زنان را به خطر می اندازد. این قوانین باید لغو شوند.

این وظیفه ما فعالین و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب است که علیه دولتهای مذهبی و قوانین شرعی که این عقب ماندگیها و تعصبات ضد زن را بازتولید و توجیه میکند، بایستیم. تلاش کنیم این قوانین عقب مانده را عقب برانیم و برای لغو این قوانین وحشیانه مبارزه کنیم.*

هم در اختیار دارد که برای حفظ این کالا، حتی مرتکب قتل و جنایت هم بشود.

در دنیای امروز شاید مسخره به نظر آید که زنی به "جرم رابطه با نامحرم" و عاشق شدن، سنگسار و یا کشته شود. در ایران بدوا جمهوری اسلامی با قوانین مذهبی در نقش "حافظ ناموس مردم" ظاهر میشود و جنایت و سنگسار علیه زنان را سازمان میدهد. در سایه این قوانین زن ستیز، نوبت پدر، شوهر، برادر و یا دیگر اعضا و وابستگان خانواده است که به مجری و قاتل زن تبدیل شوند. جمهوری اسلامی خود عامل زن ستیزی است. دو ماده 220 و 630 قانون مجازات اسلامی که روح جامعه پدرسالار و ساختار استبدادی بر قوانین آن جاری است، دقیقا بازتاب دهنده این شکل قدرت است. مطابق ماده 220 پدر و جد پدری مالک جسم و جان فرزندان است و در ماده 630 مرد به مثابه شوهر و پدر مالک جسم و جان زن است و در صورت هرگونه تجاوز یا تعدی به این ملک حق دارد متجاوز را نیز به دست خود مجازات کند.

یکی دیگر از موانع که نباید نادیده گرفت، نقش ناسیونالیسم است که رهایی زن را در گرو پیروزی جنبش ناسیونالیستی قرار میدهد. تجربه ثابت کرده که با "آزادی" سرزمینی زنان آن سرزمین "آزاد" نمی شوند. به عنوان مثال زنان اقلیم کردستان پس از سقوط رژیم صدام توسط آمریکا نه تنها آزاد نشدند بلکه میزان ستمی که بر آنان روا داشته میشود بیشتر شده است. حتی بسیاری از خشونت های عریان جای خود را به اشکال گوناگون خشونت

در روزهای 30 و 31 مرداد ماه در شهر مریوان دو روز کنفرانس از طرف "کانون علمی و فرهنگی روان" سازماندهی شده بود. قبل از این کنفرانس در مریوان ما شاهد اعتراض مهم زنان سرخ پوش بودیم و این اعتراض توجه زیادی را به خود جلب کرد. بجز مریوان که در آن نهادهای و انجمن های دفاع از حقوق زنان و کودکان فعال بودند، در دیگر شهرهای کردستان از جمله سنندج تلاشها و ابتکارات و اقدامات مهمی در این زمینه صورت گرفته است. در یکی از اطلاعیه ها ذکر شده که در این کنفرانس در مورد جنبه های مختلف ناموس پرستی و علل و زمینه های قتل ناموسی به تفصیل صحبت شده است. ما ضمن ابراز خوشحالی از این حرکتی مثبت امیدواریم این کنفرانسها ادامه پیدا کند و در سایر شهرهای کردستان و بقیه ایران طی اقدامات مشابهی به ریشه این قوانین زن ستیز و خشونت علیه زنان پرداخت که حرمت انسانی و حقوق اولیه و پایه ای زنان را به شدت زیر سؤال برده است.

زنان باید در جامعه ای عاری از قوانین نابرابر و بدور از هر گونه ستم جنسی، زندگی ایمنی داشته باشند. قتل های ناموسی، بدترین و افراطی ترین شکل خشونت است که به اصطلاح به حفاظت از "ناموس" ربط پیدا می کند و این خود ریشه در فرهنگ قرون وسطی و قوانین و مناسبات نابرابر حاکم بر جامعه امروز دارد. بدیهی است جامعه ای که تمام قوانین و مناسباتش بر اساس برتری مرد بر زن پایه ریزی شده، جامعه ای که زن را شهروند درجه دوم قلمداد میکند، باید هم "نگهبانان ناموس" که شوهر، پدر، برادر و یا دیگر اعضای خانواده است را پرورده کند. در جامعه ای که زن کالا محسوب میشود و مرد صاحب این کالا است، طبیعی است که مرد دست بالا را دارد و مختار است و ابزارهای لازم را

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



گفتگوی نوشین قادری با شیوا گنجی روزنامه نگار و فعال حقوق زنان



پناهندگی سازمان ملل. اما متأسفانه پناهندگان سیاسی در ترکیه با شرایط روحی و مالی نامناسبی که دارند و طولانی شدن پروسه رسیدگی به پرونده شان، بیشتر با مشکلات مورد اشاره درگیرند. به عنوان فردی پناهجو این درخواست را از اشخاص، نهادها، احزاب چپ و کمونیست ها دارم که برای پرونده پناهجویان سیاسی با جلسه ای یا ارتباطی که میتواند با UN داشته باشند، تلاش کنند که پناهجویان سیاسی زودتر به کشور امن و ثالث انتقال داده شوند.

نوشین قادری: زمانی که در ایران بودید و در عرصه آزادی زن فعالیت داشتند عموماً با چه مشکلات و محدودیتهایی مواجه بودید؟

شیوا گنجی: در ایران هر گونه فعالیتی که با مزاج حکومت سازگاری نداشته باشد، و یا حکومت احساس کند نظامش با این نوع فعالیتها دچار مشکل می شود را به بدترین شکل ممکن سرکوب میکند. متأسفانه در ایران مشکلات زیادی بر سر راه فعالیت در دفاع از حقوق زن وجود دارد. برخوردهای که با این نوع فعالیتها می شود جریمه های سنگین نقدی، حبس و زندان سنگین و طولانی، شکنجه های فیزیکی، جسمی و روحی را به همراه دارد.

در اینجا از فرصت استفاده میکنم و به چند مورد ستم بر زنان در ایران اشاره میکنم. مصادیقی که زن مورد ستم و تبعیض واقع می شود عبارتند از:

1- کارهای سخت و تکراری و طاقت فرسایی که در خانه باید به صورت روزانه انجام شود و به عنوان وظیفه شرعی و قانونی زن از آن نام برده می شود.

2- به کارگیری زنان

صفحه ۶

عنوان پناهجو با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

شیوا گنجی: نسبت به خانمهایی که به تنهایی در ترکیه زندگی می کنند شرایط من بهتر بود. چون در بدو ورودم به ترکیه اسپانسر من همسرم بود. اما با این حال باز مشکلات خاص خود را داشتم: مثلاً ناآشنا بودن با زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، جا و مکان، و بیشتر از همه شرایط روحی بدی که در آن قرار داشتم به این مشکلات بیشتر دامن میزد.

نوشین قادری: برخورد پلیس و UN ترکیه چگونه بود؟

شیوا گنجی: برای ما ایرانیها همیشه اسم پلیس نوعی با وحشت همراه است. مخصوصاً اگر سروکارتم باهاشون افتاده باشه که دیگه وحشتمون را بیشتر میکند. متأسفانه این ترس و وحشت برای من هم وجود داشت و شایدم بیشتر از دیگران. اما در چند دقیقه اول در اداره پلیس این ترس و وحشت کاملاً از بین رفت چون با رویی باز و برخوردی خیلی خوب به کارهای اداری من رسیدگی شد و بدون هیچ مشکلی مراحل قانونی معرفی به پلیس انجام شد.

نوشین قادری: انتظار شما از احزاب چپ و کمونیست و نهادها در دفاع از حقوق پناهندگان سیاسی که به ترکیه پناهنده میشوند چیست؟

شیوا گنجی: بین کسی که به دلیل سیاسی از کشور خارج میشود با یک فردی عادی که از روی علاقه و با برنامه از کشور خارج میشود، باید تفاوتی وجود داشته باشد. بخصوص در روند رسیدگی به پرونده در دفتر

اشاره: من در سال 1382 فعالیت خود را در زمینه حقوق زنان آغاز کردم. اما به دلیل اینکه در سال 1385 دو تن از دوستانم دستگیر شدند، فعالیت را ادامه ندادم. کار روزنامه نگاری را از سال 1389 با هفته نامه محلی دیدگاه در سنجند آغاز کردم و در سرپرستی های روزنامه دنیای اقتصاد و آفرینش و همشهری نیز همکاری داشتم. همچنین مدتی را نیز در باشگاه خبرنگاران جوان کار کرده ام.

نوشین قادری: چرا و چگونه پناهنده شدید؟ دلیل خروج تان از ایران چه بود؟

شیوا گنجی: به دلیل اینکه سال 91 همسرم 2 بار بازداشت شده بود و در بهمن 91 طی تماسی تلفنی مجدداً ایشان را به اطلاعات احضار کردند. همسرم به همین دلیل و بدنبال تماس تلفنی اطلاعات از ایران خارج شده و خود را به دفتر پناهندگی سازمان ملل معرفی کرده بود. 20 روز از همسرم بیخبر بودم. در طول این 20 روز بارها به اداره اطلاعات، نیروی انتظامی، بیمارستانها، استانداری و ... مراجعه کردم اما خبری از سرنوشت همسرم دستگیرم نشد. به همین دلیل با "خبرگزاری کردپا" مصاحبه ای تلفنی انجام دادم و همین مصاحبه و اعلام بی خبری از همسرم باعث شد ستاد خبری برای پرونده سازی کند. چندین مورد تلفنی من را به ستاد خبری احضار کردند و با کتک، توهین، ناسزا، فحش های ناموسی و به زور اعتراف نامه و تعهد نامه ای را امضاء کردم. در اردیبهشت 92 طی تماسی تلفنی به من خبر دادند که خود را برای دادگاهی در مورد "جرم های مرتکب شده"، که یکی از آنها شامل اعتراف نامه ای که به زور مرا مجبور به امضاء کردن آن کرده بودند، معرفی کنم. به همین دلیل بعد از تماس تلفنی من نیز مجبور به خروج از این شدم و به شوهرم در ترکیه پیوستم.

نوشین قادری: در بدو ورود به ترکیه به

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸, ۳۰
بوقت تهران از شبکه هات
برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل

ریت: ۲۷۵۰۰

کانال: KM TV

به دوستانتان اطلاع دهید!

تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آذر ماجدی
روزهای جمعه ها از ساعت
۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت

اروپای مرکزی

مگاهرتز: 11642 سیمبل

ریت: 27500

کانال: KMTV

به دوستانتان اطلاع دهید!

گفتگوی نوشین قادری با شیوا گنجی روزنامه نگار و فعال حقوق زنان...

در کارگاه ها و تولیدی های مختلف با دستمزد کمتر. اعتقاد به اینکه زنان نیروی کار ارزانی هستند و صاحبکارها در مقابل ساعات طولانی کار آنها دستمزد ناچیزی پرداخت می کنند.

3- در موضوعات حقوقی مانند شهادت و گواهی، ارث و میراث و غیره. زنان در ایران در هیچ زمینه ای از حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند. گاهی پیش آمده خانوادگی سنتی زن را از ارث محروم کرده اند و می گویند بردن ارث فقط حق مرد است.

4- حق طلاق با مرد است. بعد از طلاق و متارکه زنان از مردان، فرزندان با شرایط خاصی به پدر سپرده می شود. نهایتاً به مادر اجازه داده می شود هفته ای یکبار فرزند خود را ببیند.

5- حق انتخاب در ایران با مردان است. یعنی مردها اجازه دارند به خواستگاری بروند و دختری را انتخاب کنند. اما این حق برای زنان "مکروه" و برخلاف شرع و عرف تلقی میشود.

6- مرد اجازه دارد چندین زن را همزمان در عقد خود داشته باشد، خواه دائم خواه موقت و به صورت صیغه ای.

7- در جامعه ایران همیشه زنان را به عنوان "ضعیفه و ضعیف" خطاب کرده اند؛ به چشم حقارت به زنان نگاه میکنند، حقارتی که از فرهنگ، دین و مذهب، قانون و حاکمیت اسلامی سرچشمه می گیرد. در حالی که بسیاری از زنان خود به تنهایی بار زندگی را به دوش می کشند.

8- در ایران کسی که خواهان برابری زن و مرد باشد مجرم محسوب میشود و با او برخوردهای حقوقی و قانونی می شود. اگر کسی در زمینه حقوق زنان فعالیتی داشته باشد، مخالف نظام و سیاه نما و دشمن اسلام و محارب با خدا شناسانده می شود و معمولاً با جرم هایی شبیه اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام به جرمه ها و زندانهای بلندمدت و انواع محرومیت های اجتماعی محکوم می شود.

9- در ایران اکثر مردان از شاغل بودن زنان واهمه دارند. چون فکر بیمارگونه این مردان این احساس را همیشه همراه خود دارند که اگر زنی استقلال مالی داشته باشد امکان دارد کانون خانواده دچار فروپاشی شود و شوهرش را به راحتی کنار بگذارد و به تنهایی زندگی را ادامه دهد.

زن از دیدگاه شرع، قانون و عرف جامعه، باید در صحنه خانواده همسری فداکار و قانع، مادری مهربان و پرعاطفه و در صحنه اجتماع باید با عفت و حجاب ظاهر شود. اما ریشه مشکلات زنان تنها به تبعیض آمیز بدون قوانین باز نمیگردد؛ بلکه مناسبات اجتماعی ناصحیح و فرهنگ غلط حاکم بر جامعه و وجود سنت های نادرست نیز از عوامل شرایط کنونی زنان در ایران هستند. عواملی که بعنوان سدی در مقابل تلاش برای تحقق آزادی و برابری زنان عمل میکنند.*

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

ای انسانها است، علیه دستاوردهای دو قرن مبارزه آزادیخواهانه و سکولاریستی است. این دیدگاهها ضد زن است، مردسالار و عشیره ای است، چون زن را در جهان به "اسلامی" و "غیر اسلامی" تقسیم میکند و حقوق و آزادی شان را براساس چهارچوبهای دینی، که آنهم توسط دکانداران مذهب و رهبران خودکمارده خدا روی زمین تعیین میشود، تعریف میکند. این جوهر سرمایه داری امروز راجع به حقوق مدنی انسانهاست. این ارتجاع پست مدرنیسم است که در زادگاه مارکس و هگل از جیب کارگران در آلمان نان میخورد تا همین طبقه کارگر را در تفرقه و انزوا، کت بسته بخدمت سرمایه درآورد.



"جهان اسلام" وجود خارجی ندارد، واقعیت تاریخی و اجتماعی ندارد، انتخاب آزاد انسانهای معینی نیست، بلکه یک خرافه و یک جعل سیاسی است. "جهان اسلام" ترمی دلخواهی و راسیستی است. ابزاری سیاسی برای ممانعت با جنبش اسلامی برای رعایت ملاحظات داخلی قدرت سیاسی در آلمان و منافع شرکتهای تجاری در همان کشورهای اسلام زده است. اگر دست این ارتجاع را باز بگذارید افسار میگسلد و تا دوران نازیسم جامعه را عقب میبرد.

اگر دولت آلمان از تحرک اسلامها وحشت دارد، راهش باج دادن نیست. چون این باج دان به اسلامها تنها فاشیستهای آلمانی را در جامعه و در ساختار سیاسی و اداری و فرهنگی تقویت میکند.

برای خلع سلاح فاشیسم و اسلام سیاسی راهی جز برسمیت شناسی حقوق شهروندی واحد برای همگان، تغییر قوانین بضع شهروندان و ایجاد برابری و رفع تبعیض در قلمروهای حقوقی و اجتماعی وجود ندارد. امری که با سود سرمایه و مکاتب دست راستی حاکم در آلمان و کشورهای اروپایی خوانائی ندارد. *



"دختر شایسته جهان اسلام" از نیجریه می آید!

سیاوش دانشپور

این تیتیر دوپچه وله رادیو آلمان است. در این یادداشت کاری به بحث مسابقات "دختر شایسته" و "الترناتپو اسلامی دختر شایسته" در مقابل مسابقات "دختر شایسته کشورهای غربی" نداریم. بحث برسر همین عنوان است که روزانه به هزار و یک طریق به تخت سینه من و شما میخورد: "جهان اسلام"!

"جهان اسلام"، جهانی که گویا یک میلیارد نفر فقط به جرم اینکه در کشورهای اسلام زده چشم به جهان گشوده اند داغ لعنت اسلامی بر آنها میخورد و از منظر دمکراسی و حق انتخاب و آزادی بیان و غیره نه تنها ایرادی به آن وارد نیست بلکه بطور شلخته و البته آگاهانه مرتباً تکرار میشود. راستی میتوان دیگر کشورهای جهان را با همین منطق "جهان مسیحی"، "جهان یهودی"، "جهان بودائی" و غیره نامید؟ اگر آری، میتوانیم دمکراسیهای کنونی را دمکراسی مسیحی و غیره بنامیم؟ تکلیف نظام سکولار چه میشود؟ تکلیف اته ایست ها، ماتریالیستها و غیر مذهبیه ها چه میشود؟ این ترمینولوژی راسیستی و طبقه بندی انسانها براساس "دین رسمی" و تحمیلی و اساسا سیاسی در هر کشوری که به طور اتفاقی در آن چشم به جهان گشوده اند، تنها یک ناواقعیت نیست، تنها یک تحریف بزرگ تاریخی نیست، بلکه اهداف سیاسی مشخصی دارد و به منافع معینی خدمت میکند.

شما را "مسلمان" و "مسیحی" و "یهودی" و "سیک" و "هندو" و غیره مینامند تا برایتان امام و پاپ و خاخام و رئیس قبیله و "مرجع تقلید" درست کنند. شما را با این عناوین به دیگران معرفی میکنند تا سرنوشت تان را بدست مرجعینی بدهند که از قبل مالیات شهروندان و کمکهای همین این دولتها ارتزاق میکنند. فکر میکنید این امپراطوریهای مذهبی و صنعت مذهب بیخودی برپا شده است؟ شما را با طوق لعنت هویت مذهبی و ملی و قومی معرفی میکنند تا یک آپارتاید سیاسی و اداری و فکری و فرهنگی را در تمام سطوح حاکم کنند. شما را دلخواهی به دینی و ملیتی منتسب میکنند تا حقوق و آزادی فردی و اجتماعی تان را زیر سوال ببرند و به دنیای "اقلیت" و "اکثریت" رسمیت بدهند. این ارتجاع سیاسی و تقسیم بندی کاذب ادامه منطقی نابرابری اقتصادی و سیاسی و حقوقی در نظام کنونی سرمایه داری است. نظامی که حتی از ارزشهای دوران لیبرالیسم و حقوق جهانشمول انسانها پاپس کشیده و به ارزشهای قرون وسطی رجعت کرده است.

همین منطق، همین دیدگاه، همین تبلیغات به نژادپرستی و راسیسم و اسکین هدهای خیابانی توجیه فعالیت و ضدیت با "خارجی" ها میدهد. همین دیدگاه جاده صاف کن ارتجاع سیاسی فدرالیسم و جوامع موزائیکی میشود که نمونه هایش را در عراق و افغانستان دیده ایم. همین دیدگاه جنگهای قومی و مذهبی و نفرت همسایه علیه همسایه را دامن میزند و هیزم به آتش این جنگها میریزد. سرمایه داری با هزار و یک روش و با پیپاز آگاهی وارونه تلاش دارد از صف متحد انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، از صف متحد کارگران در چهارچوبهای کشوری و منطقه ای و جهانی جلوگیری کند.

این تبلیغات و سیاستهای منتج از آن راسیستی است، نژادپرستانه است، علیه حقوق پایه

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!



برقع و نقاب باید ممنوع گردد!

آذر ماجدی در گفتگو با رادیو بی بی سی

چهارشنبه 11 سپتامبر رادیو بی بی سی 3 counties برنامہ جاناتان ورمون اسمیث درباره ممنوعیت حجاب با آذر ماجدی گفتگو کرد. دانشگاه متروپولیتن بیرمنگام بدلائل امنیتی تصمیم به ممنوعیت ورود دانشجویان و کارکنان با برقع و نقاب به محیط دانشگاه گرفته است. این تصمیم موجد بحث داغی پیرامون حجاب، آزادی مذهب و حقوق فردی شده است. بحث در این زمینه در رسانه ها راه افتاده است.

رادیو بی بی سی نظر آذر ماجدی را درباره مساله ممنوعیت حجاب جویا شد. آذر اعلام کرد که این مساله را باید در چند سطح مورد بررسی قرار داد. حجاب برای کودکان و بزرگسالان؛ میزان و شکل حجاب و متن اجتماعی و سیاسی جامعه. حجاب برای کودکان باید ممنوع شود. زیرا حجاب دختر بچه ها را از زندگی نرمال محروم می کند و حق یک زندگی شاد و عادی را از آنان سلب می کند. به حجاب کودکان باید مانند تنبیه بدنی، آزار جسمی، روحی و جنسی کودکان برخورد کرد. تضمین حقوق پایه ای کودکان ایجاب می کند که حجاب برای دختران زیر سن قانونی ممنوع شود.

برقع و نقاب به دو دلیل باید ممنوع شود: اولاً، بخاطر احترام به مناسبات ایمن اجتماعی. زنی که صورتش را توسط برقع پوشانده است و یا حتی چشمانش زیر نقاب پنهان شده است، محیط را برای اطرافیانش درون اجتماع ناامن می کند. امکان برقراری یک ارتباط عادی و انسانی را سلب می کند. در اتوبوس، در محیط کار یا در خیابان انسانهایی که مثل اشباح در حرکتند و امکان هر نوع شناسایی و برقراری ارتباط را از دیگران سلب کرده اند، یک فضای ترس و ارباب در محیط خود ایجاد می کنند. ثانیاً، قرار دادن زنان در موقعیت این اشباح یا ارواح بدون هویت و صورت تحقیر کامل و مطلق زنان است و جامعه نباید چنین تحقیری را بپذیرد.

اما اشکال دیگر حجاب برای بزرگسالان نباید ممنوع شود. علیرغم اینکه حجاب ابزار و سمبل تحقیر و بی حقوقی زن است، بزرگسالان باید از حق انتخاب این تحقیر و بی حقوقی برخوردار باشند. لیکن در این مورد نیز یک استثناء موجود است. در یک جامعه سکولار که جدایی دین از دولت، آموزش و پرورش و قوانین را برسمیت می شناسد، پوشیدن یا حمل مظاهر مذهبی در نهادها و ادارات دولتی باید ممنوع گردد، مانند قانون مصوب سال 2003 در فرانسه. طبق این قانون کلیه مظاهر مذهبی و نه فقط حجاب ممنوع شده اند.

باید در نظر داشت که آزادی مذهب یک آزادی بی قید و شرط و مطلق نیست. در شرایطی که آزادی انجام دستورات مذهبی با قوانین دیگری در جامعه در تناقض قرار می گیرد یا تداخلی میان دو دسته قانون پیش می آید، باید اولویت را بر حفظ حقوق کودک، زنان، حقوق فردی و انسانی قرار داد. در شرایطی که یک عمل مذهبی مغایر قوانین در عرصه های ذکر شده است، آن عمل مذهبی باید ممنوع شود. مذهب نمی تواند و نباید بر حقوق انسانی، برابری انسان ها، تامین یک زندگی شاد و پیشرو برای شهروندان پیشی بگیرد.

سازمان آزادی زن
20 سپتامبر 2013

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه: آذر ماجدی، مریم

کوشا، سپاوش دانشور

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!
با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

به سازمان آزادی زن بپیوندید!